



The Study of Cognitive Biases in Children's Story Books

Zahra Pakdel 

M. A. of Information Science & Knowledge Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
E-mail: zahra.pakdel77@gmail.com

Mehdi Shaghaghi 

*Corresponding author, Assistant Professor, Department of Information Science & Knowledge Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. E-mail: m_shaghaghi@sub.ac.ir

Mohsen Hajzeinolabedini 

Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. E-mail: m_zabedini@sbu.ac.ir

Abstract

Objective: Cognitive biases are a kind of cognitive errors that affect human cognitive processes and take the form of thought patterns and play a role in people's evaluation and decision-making and lead to incorrect attitudes, beliefs, judgments and decisions. The aim of the current research is to identify cognitive biases in Iranian children's visual story books.

Methodology: The present research was carried out using an evaluative method. The research community is authored visual fiction books of age group (b), (c) and (b and c), which include 20 books published by the Center for the Intellectual Development of Children and Teenagers (2020 to 2023) and 17 best-selling books for children and teenagers (2023) and a total of 37 illustrated works under 120 pages were selected as sample. The standard checklist of ACAPS Institute was used to evaluate fiction books. The aforementioned checklist was translated and with the help of cognitive science experts, the way of representing bias in fiction books was added to the checklist. Then, using the CVI method, its validity was checked and confirmed after modification, and the reliability of the tool was checked and confirmed using the split-half method and the Spearman-Brown index.

Findings: A comparative analysis of children's and teen books from the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults (Kanoon) and best-selling titles revealed a significantly higher prevalence and diversity of cognitive biases in the latter. While Kanoon books exhibited 11 distinct biases, best-selling works contained 13, but it seems there is no significant difference between Kanoon and best-selling titles. Moreover, the findings highlighted confirmation bias as the most frequent cognitive bias present in stories aimed at children and teenagers. Other biases identified in these works, such as stereotype bias, overconfidence, and wishful thinking, were found to be conceptually intertwined with confirmation bias, potentially reinforcing its influence on young readers.

Conclusion: Although the number of cognitive biases identified in Canon works was 11 and in best-selling works was 13, this difference doesn't seem significant. It appears that the orientation of some Canon works towards success and the orientation of some best-sellers towards both success and role modelling have led to cognitive biases in certain works. However, it's likely that works evaluated through specific and well-defined procedures would have a better record regarding attention to errors. Therefore, it's necessary to examine the issue of cognitive biases, especially confirmation bias, during the pre-publication evaluation of works, and to refine narratives from this perspective.

Keywords: story book, cognitive bias, children's literature, children's story, children's book

Article type: Research

How to cite:

Pakdel, Z., Shaghghi, M., & Hajizeinolabedini, M. (2024). The Study of Cognitive Biases in Children's Story Books. *Library and Information Sciences*, 27(4), 29-54.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 18/08/2024

Received in revised form: 07/09/2024

Accepted: 22/09/2024

Available online: 08/03/2025

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi
Library and Information Sciences, 2024, Vol. 27, No.4, pp. 29-54.

© The author(s)



مطالعه سوگیری‌های شناختی در کتاب‌های داستانی کودکان

زهرا پاکدل 

کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: zahra.pakdel77@gmail.com

مهدی شقاقی 

* نویسنده مسئول، استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: m_shaghghi@sub.ac.ir

محسن حاجی زین العابدینی 

استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: m_zabedini@sbu.ac.ir

چکیده

هدف: سوگیری‌های شناختی از انواع خطاهای شناختی هستند که بر فرایندهای شناختی انسان اثر می‌گذارند و به شکل الگوهای فکری درآمده و در ارزیابی و تصمیم‌گیری افراد ایفای نقش کرده و منجر به نگرش، باور، قضاوت و تصمیم‌گیری نادرست می‌شوند. هدف پژوهش حاضر آن است که سوگیری‌های شناختی را در کتاب‌های داستانی کودکان شناسایی و معرفی کند.

روش: پژوهش حاضر به روش ارزیابانه انجام شده است. جامعه پژوهش کتاب‌های داستانی تألیفی رده سنی (ب)، (ج)، (ب و ج) است که ۲۰ مورد از کتاب‌های انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲) و ۱۷ مورد از کتاب‌های پرورش کودکان و نوجوان (۱۴۰۲) و در مجموع ۳۷ اثر مصور زیر ۱۲۰ صفحه به عنوان نمونه انتخاب شدند. از سیاهه ارزیابی استاندارد مؤسسه آپکس برای ارزیابی کتاب‌های داستانی استفاده شد. سیاهه ارزیابی یاد شده ترجمه شد و با کمک متخصصان حوزه علوم شناختی، نحوه بازنمایی سوگیری در کتب داستانی به سیاهه ارزیابی اضافه گردید. سپس، با استفاده از روش سی‌وی‌آی روایی آن بررسی و پس از اصلاح تأیید شد و پایایی ابزار نیز با روش دو نیم کردن و شاخص اسپیرمن‌براون بررسی و به تأیید رسید.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان دارای ۱۱ سوگیری و کتاب‌های پرورش دارای ۱۳ سوگیری شناختی بودند. همچنین، طبق یافته‌ها، تنوع سوگیری‌های شناختی آثار پرورش بیش از آثار کانون پرورش فکری بود. همچنین، یافته‌ها نشان داد که سوگیری تأییدی، پرسامدترین سوگیری شناختی در داستان‌های کودک و نوجوان است و به نظر می‌رسد سوگیری‌های دیگر موجود در آثار چون سوگیری کلیشه‌ای، تمرکز بر واضحات، اعتمادبه‌نفس بیش از حد، پذیرش شواهد، عدم تمرکز بر شواهد و سوگیری خواسته‌اندیشی به لحاظ مفهومی به سوگیری تأییدی بسیار نزدیک‌اند و به تقویت آن کمک می‌کنند.

نتیجه‌گیری: هر چند تعداد سوگیری‌های شناختی در آثار کانون ۱۱ مورد و در آثار پرورش ۱۳ مورد بود ولی به نظر نمی‌رسد که این تفاوت قابل توجه باشد. به نظر می‌رسد که جهت‌گیری برخی آثار کانون به سمت موفقیت‌گرایی و جهت‌گیری برخی آثار پرورش به سمت موفقیت‌گرایی و الگوسازی، موجد سوگیری‌های شناختی در برخی آثار شده است. با این حال، احتمال می‌رود آثاری که با رویه‌ها و ضابطه‌های مشخص و مدونی ارزیابی شوند، از نظر توجه به خطاها وضعیت بهتری داشته باشند. بنابراین، لازم است در ارزیابی قبل از انتشار آثار، مسئله سوگیری‌های شناختی و به خصوص سوگیری تأییدی بررسی شود و روایت‌ها از این منظر پالوده گردد.

کلیدواژه‌ها: کتاب داستان، سوگیری شناختی، ادبیات کودک، داستان کودک، کتاب کودک

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

پاکدل، زهرا؛ شقاقی، مهدی؛ حاجی زین العابدینی، محسن (۱۴۰۳). مطالعه سوگیری‌های شناختی در کتاب‌های داستانی کودکان. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۷(۴)، ۵۴-۲۹.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۸ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۳، دوره ۲۷، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۰۸، صص. ۲۹-۵۴.

© نویسندگان



مقدمه

یکی از تازه‌ترین تعاریفی که از انسان ارائه شده آن است که انسان، حیوان نمادساز است. حتی اندیشمندانی مثل باختین^۱ (۱۴۰۰) عقیده دارند که نمادسازی و زبان نمادساز مقدم بر تفکر است و بدون زبان، انسان نمی‌تواند متفکر باشد. کتاب، بهترین ابزاری است که می‌تواند انسان را از کودکی وارد جهان نمادین کند و با غنابخشی به گنجینه کلمات و تصویرهای ذهنی، او را برای تفکری پیچیده و چندبعدی در دوره بزرگسالی آماده نماید. کودکان کم‌کم با تصویر و خواندن متن کتاب اخت می‌گیرند و مهارت‌های خواندن و درک متن را در خود گسترش می‌دهند و معانی ضمنی نوشته‌ها به تدریج برایشان اهمیت می‌یابد. کتب داستانی کودکان با ترکیب متن و تصویر فحوای موجود در داستان را به طور ملموس به کودکان منتقل می‌کنند (کرباسی، پریخ و صنعت‌جو، ۱۳۹۵). متن داستان‌ها کودک را وارد جهان نمادین می‌کند و تصاویر گاه و بی‌گاه موجود در کتاب نیز به ملموس‌تر شدن فحوای متن و آشنایی کودک با دیدگاه‌های مندرج در داستان و وارد کردن مفاهیم در زندگی کمک می‌نماید (زوارقی، وثوق‌زاده و عطاپور ۱۳۹۸). کودک اجتماعی امروز با کمک این کتاب‌ها قادر می‌شود به کاوش درباره رابطه میان افراد و انگیزه‌های بشری بپردازد (جالنگو، ۱۳۹۲). داستان با شکل‌دهی به ساختارهای شناختی کودک و روایتگری حوادث زندگی انسان‌ها، به خوانندگان یادآور می‌شود که زندگی امری است حادثه‌خیز که پیچ‌وخم‌های رنج‌آلود یا خشنودکننده آن منحصر به خود او نیست بلکه جاری در زندگی همه انسان‌هاست (خلیلی جهان‌تیغ و رحیمی، ۱۳۹۰) و اوست که باید از دل همه معانی، حوادث و رویدادها معنی و مفهوم خاص خود را دریابد و راه منحصربه‌فرد خود را برسازد، ولی سوگیرانه بودن این آثار نیز ممکن است ساختارهای شناختی ذهن را تحت تأثیرات منفی قرار دهد.

سوگیری در کتب کودک به معنی وجود الگوها یا قالب‌های تفکری است که ناخواسته و بدون آگاهی مستقیم با روایت داستان وارد ساختارهای شناختی کودک می‌شود و به پیش‌فرض تبدیل می‌گردد (نگوین،^۲ ۲۰۲۱). این قالب‌های تفکر، شکل بدیهی انگاشته‌شده دارند و به عنوان بخشی از فرایند زبان‌آموزی کودک، وارد گنجینه واژگان و بنابراین، گنجینه نمادین او می‌شود و همین گنجینه نمادین، بعدها ماده اولیه تفکر، استدلال، تصویرسازی و تصمیم‌گیری او می‌گردد.

سوگیری، عمل بر اساس پیش‌داوری‌ها بدون نیت و عمد است. سوگیری به دو نوع است: سوگیری آشکار و سوگیری پنهان.^۳ سوگیری آشکار آن نوع از سوگیری است که فرد به محتوا (content)، منبع (source) و اثر

1. Mikhail Bakhtin

2. Mary Renk Jalango

3. Nguyen

4. explicit bias & implicit bias

(impact) آن آگاه است (مثل ترجیح دادن آگاهانه سفیدپوست‌ها به سیاه‌پوست‌ها در انتخاب‌ها با ذکر دلایل خاص خود) و سوگیری پنهان یا ضمنی آن نوع سوگیری است که فرد به محتوای سوگیری آگاهی دارد ولی به منبع و اثر آن آگاه نیست (مثل انکار سوگیری نژادی به زبان و انعکاس ناخواسته آن در عمل) و سوگیری‌های شناختی نیز از نوع سوگیری‌های پنهان است (براونشتاین؛ ۲۰۱۹). سوگیری‌های شناختی خطاهای ناخواسته تفکر هستند که از مشکلات مربوط به حافظه، توجه و سایر اشتباهات ذهنی ناشی می‌شوند (بهزادپور، پوراعتماد و اکبری زردخانه، ۱۳۹۹). سوگیری‌های شناختی می‌توانند بر حافظه و تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند، همچنین می‌توانند منجر به تحریف‌ها و قضاوت‌های غیرمنطقی و نادرست شوند. از آنجا که سوگیری‌های شناختی نگرش نامناسبی از جهان عرضه می‌کند و باعث می‌شود هم افراد و هم موقعیت‌های اطراف را اشتباه تفسیر کنیم، مهم است که در صورت امکان آن‌ها را بررسی کنیم (اوسولیوان و اسکوفیلد؛ ۲۰۱۸). اگر در کتاب‌های کودک و نوجوان سوگیری وجود داشته باشد، به دلیل آشنا نبودن آن‌ها با این مفاهیم و باز و پذیرا بودن آن‌ها نسبت به داستان به دلیل جاذبه، تصویر، آهنگ و سایر مسائل محتوایی و زیبایی‌شناختی، این سوگیری‌ها وارد ساختار فکری آن‌ها شده و قالب‌های ناصحیحی برای تفکر می‌سازد که زدودن آن در بزرگسالی به آسانی میسر نیست. کتاب داستان‌هایی که به طور نهادمند تولید می‌شوند دارای سیستم نظارتی و داوری چندلایه‌اند و به همین دلیل کیفیت بهتری مورد انتظار است و هیئتی به نام «هیئت نظارت بر نشر کتاب کودک» از سال ۱۳۸۴ شکل گرفته که بر محتوای آثار کودک و نوجوان، چه آثار ناشران خصوصی و چه دولتی، نظارت می‌کنند و این چشم‌انداز خوبی را ترسیم می‌کند و یافته‌های پراکنده روندی رو به بهبود را نشان می‌دهد (برای مثال بنگرید به: محمدی، ۱۳۹۱ و کرمی‌زاده زواره، پشوتنی‌زاده و عابدی، ۱۳۹۸)؛ ولی نیاز است تا پژوهش‌های منسجم‌تر و در عین حال عمیق‌تری انجام گردد تا هم بتوان روند تغییرات را به درستی بررسی کرد و هم جنبه‌های پنهان‌تری از محتوای آثار را آشکار نمود.

مطالعه سوگیری در کتب کودک در خارج از ایران سابقه زیادی دارد و عموم این مطالعات نیز به سوگیری‌های جنسیتی^۳ در کتب کودک تمرکز دارند (برای مثال بنگرید به: بارنت^۴ ۱۹۸۶؛ ریوادنیرا^۵ ۲۰۱۱؛ کیسی، نوویک و لورنکو^۶ ۲۰۲۰؛ شهناز، فاطیما و قدیر^۷ ۲۰۲۰؛ اکسل و بوستروم^۸ ۲۰۲۱؛ رابرتس و هیل^۹ ۲۰۰۳؛ چرماکوا و مالبرگ^{۱۰} ۲۰۲۱ و غیره). نتایج همه آن‌ها نشان می‌دهد که بازنمایی زنان بهبود یافته ولی همچنان برابری در همه انواع کتاب کودک وجود ندارد و مردان همچنان به عنوان شخصیت‌های اصلی کتاب‌ها

1. Michael Brownstein
2. Eoin O'Sullivan and Susie Schofield
3. Gender bias
4. Barnett
5. Rivadeneyra

6. Casey, Novick & Lourenco
7. Shahnaz, Fatima & Qadir
8. Axell & Boström
9. Roberts & Hill
10. Čermáková & Mahlberg

در نظر گرفته شده‌اند که نشان‌دهنده آن است که روند بازنمایی زنان و مردان به سمت برابری آن‌ها پیش می‌رود. در داخل کشور نیز اکثریت پژوهش‌ها روی سوگیری جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی موجود در ادبیات کودک کار کرده‌اند و به بررسی نقش زن و مرد و جایگاه هر یک از آن‌ها پرداخته‌اند که بیشتر آن‌ها نشان داده‌اند که زنان در داستان منفعل، تکیه‌گاه و دارای نقش‌های فرعی هستند به جز دو مورد (شاه‌سنی، ۱۳۹۶؛ تمیم‌داری، مستعلی پارسا و عبادتی، ۱۳۹۹) که نشان داده‌اند شخصیت اصلی در بیشتر داستان‌ها زنان بوده و به صورت فعال، کنشگر و تأثیرگذار بازنمایی شده‌اند. یک پژوهش نیز (یو، ۲۰۲۱) به روابط قدرت بین کنشگران و انواع روابط و اهداف گفتمانی آن‌ها در متون داستانی توجه کرده بود. برخی نیز مانند: اسلام، نوروزی و نظری (۱۳۹۲) و همچنین فرشچی و طاهری (۱۴۰۱) پس از مطالعه و نشان دادن سوگیری‌های جنسیتی در کتاب‌های کودک، درباره عواقب سوء چنین سوگیری‌هایی در کتاب‌های کودک هشدارهای زیادی داده‌اند. برخی پژوهش‌ها هم (ظاهری عبده‌وند، ۱۴۰۰؛ مارکوسکی^۲، ۱۹۷۵؛ بورک و کپنهور^۳، ۲۰۰۴؛ گانیا، کانفیلد، سیمونز-گافاری و چو^۴، ۲۰۱۴؛ لارسن، لی و گانیا^۵، ۲۰۱۸؛ و سوتیرووسکا و کلی^۶، ۲۰۲۰) به سوگیری انسان‌نگاری^۷ پرداخته و نشان دادند که با وجود همه انتقادات، می‌توان از حیوانات انسان‌نما برای آموزش موضوعات و مسائل دانشی و باورهای اجتماعی استفاده کرد که این، تنش‌های ناشی از برخورد با مسائلی را که از نظر اجتماعی بحث‌برانگیزند، کاهش می‌دهد. تعداد دیگری از پژوهش‌ها (بارونبرگ^۸، ۱۹۷۱؛ شاررا^۹، ۲۰۰۱؛ بو^{۱۰}، ۲۰۱۹؛ آدوکیا، ایبل، هاریسون، رونشا و شش^{۱۱}، ۲۰۲۱؛ دی بروین، امن و مسمن^{۱۲}، ۲۰۲۱؛ و فلدمن^{۱۳}، ۲۰۲۲) به سوگیری فرهنگی و نژادی پرداخته بودند و نشان دادند که تعداد بسیار کمی از کتاب‌های داستانی شامل سیاه‌پوستان است و نقش شخصیت‌های رنگین‌پوست، به ویژه زنان نسبت به دیگران کم‌رنگ‌تر است. رویین و واتسون^{۱۴} (۱۹۸۷) به سوگیری ناتوانی^{۱۵} پرداختند و میر^{۱۶} (۲۰۰۲) و نیز موتوکریشانان و کلی^{۱۷} (۲۰۱۷) نیز نشان دادند اکثر کتاب‌های آموزش محیط‌زیست، مسائل پیچیده زیست‌محیطی را با سوگیری ساده‌سازی^{۱۸} بیش از حد ساده جلوه داده‌اند. پژوهش نگوین (۲۰۲۲)، ریمن^{۱۹} (۲۰۲۲) و کلی، لامیناک و گولد^{۲۰} (۲۰۲۰) نیز به طور کلی نشان داد که کودکان می‌توانند در تعاملات متفکرانه در جلسات ضدسوگیری شرکت کنند و درک خود را از مسائل نژادی و جنسیتی نشان دهند و وظیفه معلمان است که به کودکان سوگیری و سواد انتقادی را آموزش دهند.

1. Chen-Wei Yu
2. Markowsky
3. Burke & Copenhaver
4. Ganea, Canfield, Simons-Ghafari, & Chou
5. Larsen, Lee & Ganea
6. Sotirovska & Kelley
7. anthropomorphism
8. Baronberg
9. Sharra
10. Bow

11. Adukia, Eble, Harrison, Runesha & Szasz
12. De Bruijn, Emmen & Mesman
13. Feldman
14. Rubin & Watson
15. disability bias
16. Meyer
17. Muthukrishnan & Kelley
18. oversimplification bias
19. Ryman
20. Kelly, Laminack & Gould

پژوهشگران مذکور، در بخش نتیجه‌گیری پژوهش‌های خود از وجود سوگیری در آثار کودکان صراحتاً ابراز نگرانی کرده‌اند. هرچند بررسی‌های آن‌ها از نوع کشف سوگیری‌های شناختی نبوده ولی اکثر آن‌ها تذکر داده‌اند که کودک پذیراست و وجود سوگیری در آثار، او را به نحو سوگیرانه شکل می‌دهد (برای مثال بنگرید به: فلدمن ۲۰۲۲ و همچنین بو، ۲۰۱۹). سوگیری‌های شناختی نیز از جمله سوگیری‌هایی است که با توجه به حجم اطلاعات و لزوم تصمیم‌گیری‌های متعدد و فراوان در دنیای سریع امروزی، بیش از هر زمانی اهمیت دارد. به علاوه، پیشینه‌های فراوان این حوزه نشان داد که هرچند موضوع سوگیری شناختی در کتاب کودک مورد توجه قرار نگرفته ولی بحث سوگیری موضوعی بسیار جدی است که نیاز به پژوهش‌های فراوان و منسجم دارد زیرا با عدالت و انصاف در بعد اجتماعی و منافع و تصمیمات در بعد فردی ارتباط پیدا می‌کند. القاء سوگیری شناختی توسط کتاب به کودکان می‌تواند علاوه بر اثرگذاری به جهان‌بینی، به شدت بر استنتاج و تصمیم‌گیری کودکان اثر بگذارد و باعث به وجود آمدن پیش‌فرض‌های نامطلوب در کودکان شود. به عنوان مثال، ممکن است این باور که جهان، جهان رقابت است در قسمتی از کتاب کودک گنجانده شود و کودک پس از مطالعه ممکن است این باور را بپذیرد و تصور کند که به طور کلی دو دسته از افراد در جهان وجود دارد که دسته‌ای از آن‌ها رقیب سرسخت وی هستند و همیشه باید با این رقبا مبارزه کند و دسته دیگر، افرادی هستند که رقیب او نیستند. در نتیجه این باور باعث ستیزه‌جویی و رقابت در کودک می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر سعی کرده با پژوهش در باب سوگیری‌های شناختی کتب کودک، به این پرسش پاسخ دهد که چه نوع سوگیری‌های شناختی در کتاب‌های داستانی کودکان غلبه دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش ارزیابانه انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کتاب‌های داستانی تألیفی کودکان برای سنین (ب)، (ج)، و (ب و ج) یا رده‌های سنی ۹+، ۱۰+ و ۱۱+ انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۹۸-۱۴۰۲) به عنوان نماینده ناشر سازمانی (دولتی) قدیمی و معتبر این حوزه بر اساس کمتر از ۱۲۰ صفحه بودن و تصویر داشتن (به عنوان نماد مقبولیت بیشتر نزد کودکان)، انتخاب شد که به ۲۰ مورد رسید. فهرست این منابع از سایت خانه کتاب^۲ استخراج و سپس انتخاب شد؛ زیرا در این سایت، فایل صفحات مقدماتی کتاب‌ها نیز موجود است. همچنین از کتاب‌های پر فروش کودک و نوجوان در سال ۱۴۰۲^۳ (به عنوان نماینده آثار ناشران خصوصی در این حوزه)، ۱۷ موردی که کمتر از ۱۲۰ صفحه بودند و تصویر

1. evaluative research

2. <https://ketab.ir>

3. ibna.ir/x4Syb

داشتند، پس از تطبیق با اطلاعات وبگاه خانه کتاب، انتخاب شد که مجموع آثار مورد بررسی شامل ۳۷ کتاب داستانی گردید. با توجه به این که اکثر آثار پرفروش تعداد صفحاتی حدود ۱۲۰ صفحه داشتند، معیار ۱۲۰ صفحه انتخاب شد تا این آثار در شمول بررسی بگنجد و بقیه نیز بر این اساس انتخاب شوند. در مرحله اول، طراحی سیاهه ارزیابی سوگیری‌های شناختی در دستور کار قرار گرفت و پس از مرور متون، از سیاهه‌وارسی استاندارد^۱ مؤسسه پژوهشی بین‌المللی آکاپس (۲۰۱۶) (برنامه ظرفیت‌های ارزیابی) آبرای مطالعه سوگیری‌های شناختی کتب کودک استفاده شد. این سیاهه‌وارسی در ایران استفاده نشده ولی در دو پژوهش بین‌المللی (پاولوس و دیگران، ۲۰۲۳^۲ و پاولوس، ۲۰۲۳^۳) به کار رفته است. سیاهه‌وارسی یادشده، ۳۸ مورد از مهمترین سوگیری‌های شناختی را همراه با تعاریف آن‌ها در برداشت که آن‌ها را در سه دسته سوگیری‌های انتخاب، سوگیری‌های اجتماعی و سوگیری‌های فرایندی قرار داده است. همچنین، از کتاب تفکر سریع و کند دنیل کانمان^۴ برای توضیح سوگیری‌ها استفاده شد. سپس با کسب مشورت و نظرخواهی از اعضای هیئت علمی حوزه مطالعات شناختی، در سیاهه‌وارسی به دنبال تعریف هر سوگیری، عنوان شد که آن سوگیری خاص عموماً در داستان چگونه بازنمایی می‌شود. برای ارزیابی روایی سیاهه‌وارسی از روش سی‌وی‌آی^۵ استفاده شد. مؤلفه‌های سیاهه‌وارسی به همراه توضیحات و ابعاد تبدیل به گویه‌های پرسشنامه روایی‌سنجی شد و در طیف ۴ گزینه‌ای به صورت مقیاس خطی^۶ تنظیم گردید (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰). سپس با استفاده از نظر گروهی از خبرگان و با استفاده از روش ذکر شده، روایی‌سنجی محتوایی انجام شد. شاخص روایی محتوایی ۳۳ پرسش مقدار مناسب و بیشتر از ۰/۷۹ بود و فقط پرسش‌های ۵، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۳۱ مقداری کمتر و برابر با ۰/۷۵ داشتند که تغییرات مدنظر خبره برای این پرسش‌ها انجام شد و به تأیید رسید. در گام بعد، با استفاده از روش دو نیم کردن^۷ پایایی این ابزار نیز بررسی شد که خروجی آماره اسپیرمن - براون معادل ۰/۹۹۳ (بیش از ۰/۷) بود و بنابراین، پایایی ابزار با اطمینان ۹۵ درصد تأیید گردید. در گام بعد با استفاده از مؤلفه‌های اعتبارسنجی شده، سوگیری‌های شناختی موجود در متون کتاب‌های کودک، شناسایی و معرفی شد. از آنجایی که سوگیری‌های

1. https://www.acaps.org/fileadmin/Technical_notes/acaps_technical_brief_cognitive_biases_march_2016.pdf

2. Assessment CAPacitieS project (ACAPS), www.acaps.org

3. David Paulus, Gerdien de Vries, Marijn Janssen & Bartel Van de Walle

4. David Paulus

5. "Thinking, Fast and Slow" by Daniel Kahneman

۶ شاخص روایی محتوا (Content Validity Index (CVI)) مقیاسی است برای ارزیابی روایی محتوایی. برای این کار یک پرسشنامه با طیف چهارگزینه‌ای (مفید است، مفید است با اصلاحات جزئی، مفید است با اصلاحات کلی، مفید نیست) استفاده می‌شود که گویه‌های آن، همان مؤلفه‌های سیاهه‌وارسی است و خبرگان بدان پاسخ می‌دهند (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰).

۷. طیف بدین صورت تنظیم شد: مرتبط (۱) نامرتب (۴)

۸. در روش دو نیم کردن (split-half) همبستگی بین نیمی از کل پرسش‌ها با نیم دیگر محاسبه می‌شود و حاصل در فرمول اسپیرمن-براون قرار می‌گیرد و نتیجه استخراج می‌شود که برای اثبات پایایی، مقدار مستخرجه باید کمتر از ۰/۷ باشد. این کار در اسپیرمن-براون دستی قابل انجام است.

شناختی ممکن است تحت تأثیر فرهنگ باشد و فرهنگ پژوهشگر روی استنباط و پژوهش اثر بگذارد، سعی شد تا حدودی برای کنترل کردن این عامل بسیار دشوار و جلوگیری از استنباط‌های سوگیرانه پژوهشگران داستان‌ها را خوانده و سپس سوگیری‌های موجود در آن را بررسی می‌کردند. چندین بار سیاه‌وارسی سوگیری‌های شناختی و سوگیری‌های یافت شده در متون را با یکدیگر در فواصل زمانی مختلف مقایسه می‌شد و با نظر چند تن از خبرگان این حوزه تطبیق داده می‌شد تا از ورود دیدگاه‌های سوگیرانه تا حد ممکن جلوگیری شود.

یافته‌ها

پس از بررسی و تجزیه و تحلیل تک‌تک کتاب‌های داستانی تألیفی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتاب‌های پرورش کودکان و نوجوانان سال ۱۴۰۲، سوگیری‌های شناختی موجود در کتاب‌ها شناسایی شد و در نهایت جدولی مقایسه‌ای از سوگیری‌های کتاب‌های کانون با سوگیری‌های کتاب‌های پرورش تشکیل شد. جدول ۱، جدولی برای مقایسه سوگیری‌های موجود در کتاب‌های کانون با کتاب‌های پرورش کودک است.

جدول ۱. سوگیری‌های شناختی کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

نام اثر	سال	سطح	سوگیری‌ها
آخرین زاغ بور دشت بزرگ	۱۳۹۹	+۹	سوگیری اثر شترمرغ ^۱
بابا بی هستی امید بی آرزو	۱۴۰۰	+۹	-
باور کن من لاک‌پشتم	۱۳۹۹	+۹	سوگیری پذیرش شواهد ^۲
بدو، بدو، بدو	۱۳۹۹	+۹	سوگیری تمرکز بر واضحات ^۳
بزرگ‌گوش کوچک	۱۳۹۹	+۹	سوگیری پذیرش شواهد
به من بگو سمندر	۱۳۹۹	+۹	-
پرنده بی‌لانه	۱۴۰۰	+۹	-
پسری که از پنجره بیرون را نگاه می‌کرد	۱۴۰۱	+۹	-
ترس... ترس... ترس...	۱۳۹۹	+۹	سوگیری خواسته‌اندیشی ^۴
ترسناک‌ترین کاری که تا حالا انجام دادی چه بوده؟	۱۴۰۰	+۹	-
چه کسی نامه را به شیشه چسبانده بود؟	۱۳۹۹	+۹	سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد ^۵
داستان گل حسرتی	۱۳۹۹	+۹	سوگیری تأییدی ^۶
سفر در کاموا	۱۴۰۱	+۹	سوگیری تأییدی
سوار بر باد	۱۳۹۸	+۱۱	-
سیب و جیب	۱۴۰۰	+۹	سوگیری خواسته‌اندیشی، سوگیری تفکر قالبی یا کلیشه‌ای ^۷
شاید این کتاب منفجر شود	۱۳۹۸	+۱۱	-
فقط دوست خودمی	۱۳۹۸	+۹	-
کی...؟ کو...؟	۱۳۹۹	+۹	-
گوزن زرد	۱۳۹۹	+۹	سوگیری تمرکز بر واضحات
یک آدم نقاشی کن	۱۳۹۹	+۱۱	-

1. ostrich effect
2. evidence acceptance bias
3. vividness bias
4. wishful thinking bias
5. overconfidence bias
6. confirmation bias
7. stereotyping bias

در جدول ۱، خلاصه‌ای از سوگیری‌های شناختی موجود در برخی آثار کانون پرورش فکری کودکان آمده است که به شرح آن پرداخته می‌شود.

در کتاب «آخرین زاغ بور دشت بزرگ»، مضمون کلی کتاب «مشکلات زاغ‌بور به دلیل بی‌توجهی انسان‌ها به لانه و غذای او» است. در این داستان، خطراتی که برای زاغ بور وجود دارد، مثل از بین رفتن غذا و محل زندگی و امثال آن در نظر گرفته نمی‌شود و به طور ناگهانی بعد از آمدن بهار، همه چیز تغییر می‌کند و شرایط بدون دلیل خوب می‌شود که متناسب با سوگیری «اثر شترمرغ» است.

داستان «باور کن من لاک‌پشتم» درباره کمک کردن پسر به پدرش و ماهی‌گیران و پیدا کردن لاک‌پشتی عجیب است که ماهی‌گیران باور دارند این نوع لاک‌پشت‌ها خطرناک هستند. در این کتاب سوگیری «پذیرش شواهد» پذیرش شواهدی که قبلاً عده‌ای ارائه کرده‌اند، بدون بررسی دوباره) به چشم می‌خورد؛ زیرا پدر پسرک به اطلاعاتی که قبلاً درباره این نوع لاک‌پشت به دست آورده تکیه کرده و بدون پژوهش، خطرناک بودن این نوع لاک‌پشت‌ها را پذیرفته بود.

در کتاب «بدو، بدو، بدو»، گورخر مادر و کره‌اش همراه با گله گورخرها در حال فرار از دست موتورسوار جهت خلاصی از شکار شدن هستند و مادر برای نجات دادن کره‌اش او را راهنمایی و کمک می‌کند. در این کتاب سوگیری «تمرکز بر واضحات» به چشم می‌خورد؛ زیرا زمانی که احتمال زیادی داد که گورخر مادر پیروز شود و موتورسوار به آن‌ها نرسند، بدیهیات ساده را بر احتمال پیشامدهای پیچیده ترجیح داد و همین هم باعث موفقیت‌شان شد.

داستان «بزرگ‌گوش کوچک» درباره پیدا شدن سر و کله روباهی در کاروان‌سراست و مردم فکر می‌کنند که این روباه، مرغ‌ها را می‌خورد و بنابراین، سعی می‌کنند روباه را به توریست‌ها بفروشند. سوگیری «پذیرش شواهد» در این اثر به چشم می‌خورد؛ زیرا اولاً کودک به شواهد خودش اکتفا می‌کند و توجه ندارد که روباه‌ها ذاتاً گوشت‌خوار هستند. همچنین، پدر و مادر نیز به شواهد ناقص خود اکتفا می‌کنند بدون این که لزوماً همه مفقودشدن‌ها ممکن است کار این روباه نباشد. کودک نیز شواهد پدر و مادرش را می‌پذیرد و روباه را نه به خاطر اطمینانش از بی‌آزار بودن، بلکه به خاطر در حال انقراض بودنشان به بیابان برده و رها می‌کند.

کتاب «ترس، ترس، ترس» درباره ماده یوز کوچکی است که مادر و خواهر و برادرش را از دست داده و توسط محیط‌بان بزرگ می‌شود و در دامنه کوهی رها می‌شود تا جفت خود را بیابد. پس از یافتن جفت و حامله شدن، جفتش با اتومبیلی تصادف می‌کند و بنابراین، از محیط‌بان کمک می‌خواهد. در نهایت، بچه‌هایش به دنیا می‌آیند و یوز پدر نیز توسط محیط‌بان درمان می‌شود و به خانواده بازمی‌گردد. در این داستان، یوز جوان نسبت

به توانایی‌های محیط‌بان در درمان کردن جفتش اعتماد زیاده‌ای دارد و داستان طوری است که احتمال اتفاق خوب بیش از اندازه تخمین زده شده که متناسب با سوگیری «خواسته‌اندیشی» است.

در کتاب «چه کسی نامه را به شیشه چسبانده بود؟»، کارکنان سازمان حفاظت از زمین و موجوداتش، به دنبال فردی هستند که نامه‌ای عجیب غریب را با عسل به شیشه پنجره اتاق رئیس چسبانده است. محیط‌بان اداره پس از این که نامه را زیر میکروسکوپ و ذره‌بین بررسی کرد، متوجه چند خرس و چند درخت قطع شده شد. محیط‌بان و رئیس و فردی که نامه را پیدا کرده بود (آقای سرنخی) به جنگل رفته و پس از دنبال کردن ردها متوجه می‌شوند که درختان زیادی قطع شده‌اند و آجر و آهن ماسه روی زمین ریخته و جنگل توسط قاچاقچی‌های چوب در حال از بین رفتن است و در نهایت، به این نتیجه می‌رسند که نویسنده نامه، خرس است که در خطر قرار گرفته است. در این کتاب، «سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد» به چشم می‌خورد زیرا محیط‌بان داستان به خودش و تصمیماتی که می‌گیرد بیش از اندازه اعتماد دارد، هیچ شک و تردیدی از او بازنمایی نشده و نویسنده او را مطمئن و موفق قطعی جلوه داده است.

در کتاب «داستان گل حسرتی»، نوعی گل سوسن به نام گل حسرتی، هر سال چند روز مانده به بهار می‌روید و هر سال امیدوار است که بهار را ببیند و به حرف حیوانات و موجودات دیگر که به او می‌گویند عمرت کوتاه است و امسال هم نمی‌توانی بهار را ببینی توجه ندارد و در نهایت نیز در طلوع صبح بهار، سنگریزه پرنده هفت‌رنگ بر شاخ و برگ پژمرده گل حسرتی افتاد. این کتاب واجد «سوگیری تأییدی» (گرایش به تأیید خویش) تشخیص داده شد؛ زیرا گل حسرتی نسبت به دیدگاه‌های خود مقاوم است و حرف دیگران را که معتقد بودند گل حسرتی همانند سال‌های گذشته نمی‌تواند بهار را ببیند، نمی‌پذیرد و در آخر نیز داستان طوری تمام می‌شود که باز بهار را نمی‌بیند و علاوه بر آن، تنها حرف‌هایی را می‌پذیرد که حرف او را تأیید می‌کند و از دیدگاه‌های مخالف دوری می‌کند. به نظر می‌رسد این سوگیری باعث شود کودک بیاموزد که با وجود دانستن بی‌حاصل بودن یک فعالیت خاص، باز ایده‌ها و نظرات دیگران را رد کند و فقط روی تصمیم خود پافشاری نماید.

در کتاب «سفر در کاموا»، مادر در حال بافتن ژاکتی برای دختر و پسرش است و فرزندانش آن قدر با گلوله کاموای مادر بازی می‌کنند که از لابه‌لای نخ کاموا عبور کرده و وارد دنیای خیالی درون کاموا می‌شوند و داخل کاموا سفر می‌کنند. دو کودک پس از گشت‌وگذار می‌خواهند به خانه برگردند که به یک دوراهی می‌رسند و هر یک مسیری پیشنهاد می‌دهند ولی پیشنهاد یکدیگر را نمی‌پذیرند و هر یک به راه خود می‌روند و در راه، هر دو از مخالفت خود پشیمان می‌شوند ولی در آخر، یکی از آستین چپ لباس و دیگری از آستین راست خارج می‌شود. در این کتاب نیز «سوگیری تأییدی» به چشم می‌خورد؛ زیرا با وجود این که هر دو کودک فهمیدند که

نباید مخالفت می‌کردند و پشیمان نیز شدند، باز بدون دردسر به دنبال موفقیت می‌روند و به آن می‌رسند و گویا این اشتباهشان تأثیری در نتیجه نداشته است.

کتاب «سیب و جیب» شامل ۱۴ داستان کوتاه فارسی است و در سه داستان از این مجموعه، سوگیری شناختی تشخیص داده شد. داستان اول، «آرزو» نام دارد که در آن، داستان روباه و گرگ گرسنه‌ای است که طی داستان روباه آه می‌کشد و می‌گوید: اگر یک بزغاله اینجا بود خیلی خوب می‌شد و بعد از گفتن این حرف بزغاله‌ای از آسمان پایین می‌افتد. بزغاله با تعجب می‌پرسد که چه اتفاقی افتاد و بعد از این که گرگ و روباه ماجرا را تعریف کردند، بزغاله هم می‌گوید حالا که این‌طور است من هم آه می‌کشم و می‌گویم چه خوب بود اگر چوپان و سگش اینجا بودند که یک دفعه چوپان و سگ از آسمان پایین می‌افتند. در این قصه، سوگیری «خواست‌اندیشی» به چشم می‌خورد؛ زیرا غیرمستقیم می‌آموزد که صرف خواستن منجر به رسیدن می‌شود.

قصه «نقل شعبده‌باز» از این مجموعه، داستان نقلی است که هر وقت حوصله‌اش سر می‌رود از کلاهش یک عروس و یک داماد کچل درمی‌آورد و پس از بازی آن‌ها را دوباره به کلاهش برمی‌گرداند. یک روز نقل قصه، داماد کچلی از کلاهش بیرون آورد. داماد مخفی شد و نقل بعد از بازی همه را در کلاه ریخت و غیب کرد ولی داماد را پیدا نکرد. ناگهان داماد پشت سر نقل رفت و آن را خورد و کلاه را روی سرش گذاشت ولی کلاه داماد را هم غیب کرد. این قصه واجد سوگیری «تفکر قالبی یا کلیشه‌ای» تشخیص داده شد؛ زیرا در یک جای داستان، قصه‌گو می‌گوید که «کچل‌ها هم که می‌دانید خیلی زرنگ هستند» که مبتنی بر باورهای کلیشه‌ای متداول بین عامه مردم است و این نوع فکر را رواج می‌دهد.

داستان سوم این مجموعه که در آن سوگیری شناختی به چشم خورد، «فیل و فنجان» است. این داستان، قصه فیلی است که فنجانی از طلا دارد و روزی از خواب بیدار می‌شود و می‌بیند فنجانش گم شده و بنابراین، با عصبانیت چندین بار فریاد می‌زند که چه کسی فنجان مرا برداشته و بر اثر این فریادهای بلند، درخت می‌لرزد و لانه کلاغ از درخت پایین می‌افتد و فیل فنجانش را پیدا می‌کند. این داستان نیز دارای سوگیری خواسته‌اندیشی تشخیص داده شد؛ زیرا به طور غیرمستقیم به کودک می‌آموزد که اگر چیزی را عمیقاً بخواهد و فریاد بکشد، به خواسته‌اش می‌رسد.

داستان «گوزن زرد» داستان گوزن در حال انقضای است که دیگر حیوانات جنگل احساس می‌کنند غایب است و از این رو برای پیدا کردنش آگهی به درخت‌ها می‌زنند و در ادامه، نامه‌ای از او راجع به محلش پیدا می‌کنند و حیوانات دکتر جنگل را بدانجا می‌برند و دکتر می‌گوید گوزن باید به جای ایمنی برود و جفتی پیدا کند و گوزن سالمی به دنیا آورد. در این کتاب سوگیری «تمرکز بر واضحات» به چشم می‌خورد؛ زیرا حیوانات جنگل بدیهیات ساده را برای پیدا کردن گوزن زرد در نظر گرفتند و در نهایت، موفق هم شدند و بنابراین، این

آموزه غیرمستقیم را دارد که بدون در نظر گرفتن پیچیدگی‌ها و با تمرکز به شهودهای خام اولیه می‌توان به موفقیت رسید.

داستان‌های «یک آدم نقاشی کن»، «شاید این کتاب منفجر شود»، «فقط دوست خودمی»، «کی...؟ کو...؟»، «سوار بر باد»، «ترسناک‌ترین کاری که تا حالا انجام دادی چه بوده؟»، «به من بگو سمندر»، «پرنده بی‌لانه»، «بابا بی‌هستی امید بی‌آرزو» و «پسری که از پنجره بیرون را نگاه می‌کرد» فاقد سوگیری شناختی بودند و حتی مورد آخر، یکی از داستان‌های خوب فارسی است که سعی کرده سوگیری شناختی خطای انتساب را به کودکان گوشزد کند.

در جمع‌بندی، طبق جدول ۱ و شرح آن، باید اظهار داشت که کتاب‌های کانون، عموماً واجد سوگیری‌هایی در جهت موفقیت‌گرایی است و به نظر می‌رسد که با تأیید منویات، خواسته‌اندیشی، اعتمادبه‌نفس بیش از حد، بی‌توجهی به شواهد و پذیرش ساده برخی شواهد، می‌خواهد کودک را به سمت موفقیت حرکت دهد و موفقیت‌گرایی را در او تقویت نماید.

جدول ۲، شرح مختصری است از آثار پرفروش سال ۱۴۰۲ و برخی سوگیری‌های یافت شده در برخی از آن‌ها که در ادامه به شرح آثار می‌پردازیم.

جدول ۲. سوگیری‌های شناختی آثار پرفروش کودک و نوجوان در سال ۱۴۰۲

نام اثر	ناشر	سال	سطح	سوگیری‌ها
حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها	کتاب جمکران	۱۴۰۰	ب، ج	سوگیری خطای انتساب ^۱
خاطرات شیطان	جمال	۱۳۹۹	ب، ج	-
چوپان و پلیس	هزاربرگ	۱۴۰۰	ب، ج	سوگیری نقطه کور ^۲
پناه‌گاه آهو	هزاربرگ	۱۴۰۰	ب، ج	سوگیری تأییدی، اثر هاله‌ای ^۳ و نقطه کور
خطری برای جمال	هزاربرگ	۱۴۰۰	ب، ج	سوگیری عدم وجود شواهد ^۴ و سوگیری نقطه کور
دزدان گنج	هزاربرگ	۱۴۰۰	ب، ج	سوگیری تفکر قالبی یا کلیشه‌ای
راز درخت شاه‌توت	هزاربرگ	۱۴۰۰	ب، ج	-
داداش ابراهیم	کتابک	۱۴۰۰	ب، ج	-
دعوت از خرگوش ناقلا	مدرسه	۱۳۹۸	ب	سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد
خرگوش گنده	مدرسه	۱۳۹۸	ب	سوگیری عدم وجود شواهد و اعتماد به نفس بیش از حد
سطل چسب خرگوش ناقلا	مدرسه	۱۳۹۸	ب	-
سوسیس‌های خرگوش ناقلا	مدرسه	۱۳۹۸	ب	-
گنج خرگوش ناقلا	مدرسه	۱۳۹۸	ب	-
دکان عروسک‌فروشی	کتاب جمکران	۱۴۰۰	ب، ج	-
زینب‌خانم	کتابک	۱۴۰۱	ب، ج	-
عسل مثل یه قصه	جمال	۱۴۰۰	ب، ج	سوگیری قالبی یا کلیشه‌ای
ماجرای استعداد	کتابک	۱۴۰۲	ب	سوگیری تأییدی

1. attribution error
2. blind-spot bias
3. halo effect
4. absence of evidence bias

داستان «حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها»، کودکانی را به سبک تخیلی به تصویر می‌کشد که از شهید قاسم سلیمانی می‌آموزند چطور مبارزه کنند. وی از دفتر نقاشی‌اش برگ‌های سفید را به بچه‌ها می‌داد تا با آن موشک درست کنند و به سمت هواپیمای آمریکایی پرتاب کنند و این کار آن قدر انجام شد که دیگر هیچ هواپیمای سیاهی در آسمان نبود و آسمان پر از کاغذهای سفید موشکی بچه‌ها شده بود. به نظر می‌رسد در این داستان، سوگیری خطای انتساب به چشم می‌خورد. در قسمتی از متن داستان اشاره شده که «بچه‌ها موشک‌ها را پرتاب کردند. موشک‌های سفید به هواپیمای سیاه خورد، بام بام صدا داد. بچه‌ها خندیدند. هواپیما به چند تکه اسباب‌بازی سفید تبدیل شد و ریخت به دامن بچه‌ها». در این سوگیری، تأکید بیش از حد روی شخصیت داستان و منش اوست و تفسیر وقایع تمرکز زیادی به منش و شخصیت او دارد و به موقعیت توجه اندکی می‌شود. برای مثال، با تأکید بر منش شخصیتی شهید سلیمانی، تفسیری بسیار دور از ذهن و در عین حال مثبت از پیشنهاد ساخت موشک کاغذی توسط بچه‌ها و پرتاب به سمت آسمان برای فراری دادن هواپیماهای دشمن ارائه شده؛ در حالی که اگر شخصیت شهید سلیمانی و منش او نبود، چنین کاری شاید تا به این حد مثبت و معقول تلقی نمی‌شد.

کتاب خطری برای جمال، جلد اول از قصه‌های دلستان و گلستان با پنج داستان به نام‌های راز کوزه‌های آقا نبات، ماجرای مردم پایین‌ده، خطری برای جمال، گوسفند و گل و کدام آتش گرم‌تر است. در این کتاب، فقط داستان گوسفند و گل واجد سوگیری بود که در آن، گوسفند فرد غریبه‌ای، در جشن عروسی‌ای که حکیم نیز در آن دعوت است، وارد مزرعه شده و گل سرخ خورده و از این رو، اهالی گوسفند را به خاطر خساراتش به غریبه پس نمی‌دهند. حکیم از غریبه می‌خواهد گوسفند دیگری قربانی کند و از اهالی می‌خواهد که پول گوسفند را بدهند و گوسفند را نگه دارند و وقتی دلیلش را می‌پرسند، حکیم می‌گوید گوسفند ماده‌ای که گل می‌خورد حتماً حامله است. در این داستان، سوگیری عدم وجود شواهد (توجه نکردن به نقص یا نبود شواهد) به چشم می‌خورد؛ زیرا حکیم بدون این که خود گوسفند را ببیند، تنها با یک شاهد (تک‌عاملی) و آن هم گل خوردن، رأی به حامله بودن آن می‌دهد و شواهد دیگر را در نظر نمی‌گیرد. این جلد از کتاب نیز مانند سایر قصه‌های مجموعه دلستان و گلستان، به طور کلی واجد سوگیری نقطه کور است؛ زیرا شخصیتی به نام «حکیم» را مطلقاً بدون سوگیری و عاری از خطا و اشتباه معرفی کرده است.

کتاب «چوپان و پلیس»، جلد دوم از مجموعه پنج جلدی قصه‌های شیرین دلستان و گلستان است که خود شامل پنج داستان است. نام داستان اول «هندوانه‌های آقا گمان»، دومی «مشکل ناصر عطار»، سومی «گلدانی برای روز عروسی»، چهارمی «گرگ در گلستان»، و پنجمی «چوپان و پلیس» است که در هیچ‌یک از آن‌ها سوگیری شناختی به چشم نخورد ولی در کل، این مجموعه نیز مانند قبلی، واجد «سوگیری نقطه کور»

است؛ زیرا در هر پنج داستان، شخصیتی تمام و کمال به نام «حکیم» را معرفی می‌کند که فاقد هیچ‌گونه سوگیری است.

کتاب پناه‌گاه آهو جلد سوم از مجموعه پنج جلدی قصه‌های شیرین دلستان و گلستان است که خود شامل پنج داستان است. داستان اول عبارت است از «پناه‌گاه آهو»، دومی «مهمان ناخوانده در دلستان»، سومی «عسلی برای حکیم»، چهارمی «پرنندگان چمستان» و پنجمی «بوی گل‌های کمال کجاست؟». در این مجلد، دو داستان «مهمان ناخوانده در دلستان» و «بوی گل‌های کمال کجاست؟» واجد سوگیری شناختی بود که به شرح آن‌ها می‌پردازیم. داستان «مهمان ناخوانده در دلستان» درباره جوانی است به نام فرهاد که به دلستان آمده تا برف پارو کند و «خاله عالم» به او کار می‌دهد ولی حین کار، دو مرد که از او طلبکار بودند او را تعقیب می‌کنند و پس از کش و قوس بسیار نهایتاً با ضمانت اهالی، تضمین می‌شود که او کار کند و قرضش را پس بدهد. در این داستان سوگیری «اثر هاله‌ای» به چشم می‌خورد زیرا داستان به‌گونه‌ای پیش رفته که احساسات بین‌فردی دو مرد که از فرهاد طلب دارند، منجر به اعتماد به «خاله عالم» می‌شود و ضمانت او را می‌پذیرند که فرهاد پول آن دو را با کار کردن برگرداند و در انتهای داستان نیز طلب دو مرد به خوبی و خوشی وصول می‌شود. در اثر هاله‌ای افراد تمایل دارند که برداشت‌های مثبتی از یک شخص یا چیزی داشته باشند که این برداشت به طور مثبت یا منفی بر عقیده یا احساسات فرد تأثیر می‌گذارد و از این رو، این آموزش غیرمستقیم را به کودک دارد که می‌تواند بر اساس حس اولیه‌اش و بدون ارزیابی عینی، اعتماد کند یا بی‌اعتماد گردد. داستان «بوی گل‌های کمال کجاست؟» قصه شهری است که در آن مرسوم است مردها پنجشنبه عصر پس از زیارت قبور، گلی از باغش کنده به همسرش هدیه دهد و اعتقاد بر آن است که گلی که مرد از باغش چیده و به همسرش هدیه می‌دهد، از خود بویی ندارد و بعد از هدیه دادن، بو می‌دهد. در ادامه داستان، همسر فردی به نام کمال متوجه می‌شود که مدتی است گل‌های همسرش بویی ندارد ولی در گیرودار قصه، با هدایت «حکیم» کاشف به عمل می‌آید که کمال مدتی است که باغش را از چشمه آب می‌دهد ولی پولش را با وجود این که کنار گذاشته، به دلیل مسافرت رفتن مسئول مربوطه، به او نداده است و به همین دلیل پس از دادن پول، دوباره عطر به گل‌های اهدایی کمال به همسرش، باز می‌گردد. در این داستان «سوگیری تأییدی» به چشم می‌خورد؛ زیرا رفتن عطر گل، بدون در نظر گرفتن دلایل عینی و علمی، با وجود این که پول آب کنار گذاشته شده بوده و به علت غایب بودن مسئول آدا نشده، از بین رفته است و کل داستان بدون در نظر گرفتن سایر چیزها، در صدد تأیید این باور است. به علاوه، به طور کلی در این مجلد، سوگیری «نقطه کور» نیز به چشم می‌خورد؛ زیرا به طور پیش‌فرض، شخصیتی به نام «حکیم» را در هر پنج داستان فاقد سوگیری و خطا تلقی کرده است.

کتاب راز درخت شاه‌توت، جلد چهارم از مجموعه پنج جلدی قصه‌های دلستان و گلستان با پنج قصه به نام‌های آرزوهای مرجان، استاد موسی، گلاب هاشم، راز درخت شاه‌توت و بابک فری است که در هیچ‌یک از آن‌ها سوگیری شناختی به چشم نخورد و به علاوه، در این مجموعه برخلاف مجموعه‌های قبلی، خبری از شخصیت «حکیم» نیز نیست.

کتاب دزدان گنج، جلد پنجم از مجموعه پنج جلدی قصه‌های دلستان و گلستان است با چهار داستان به نام‌های «سقا»، «خواب شیرین مش‌غلام»، «دزدان گنج» و «بوی دست‌های پدر» که فقط داستان «دزدان گنج» واجد سوگیری شناختی بود که داستان آن، مربوط به شکارچی‌ای به نام جهانگیر است که در یک روز برفی برای شکار بیرون می‌آید و دو فرد را می‌بیند که گله‌گرگ در حال تعقیب آن‌هاست و جانشان در خطر است و پس از این‌که جهانگیر، جانشان را نجات می‌دهد، دو مرد کوزه‌ای به او می‌دهند و به او می‌گویند آن را به امام‌زاده ببرد و به متولی امام‌زاده بگوید این کوزه برای دو فرد توبه‌کار است و سپس خودشان از آنجا دور می‌شوند و جهانگیر نیز پس از دور شدن آن‌ها به داخل کوزه نگاه می‌کند و می‌بیند پر از سکه طلاست و سپس آن را به امام‌زاده می‌برد و متولی امام‌زاده به جهانگیر می‌گوید آن دو، دزد بودند. در این داستان سوگیری تفکر قالبی یا کلیشه‌ای دیده شد؛ زیرا در این داستان، دو فرد جهانگیر را بدون شواهد و هیچ اطلاعات زمینه‌ای، فردی خوب و امانت‌دار تلقی کردند و کیسه طلا را به او سپردند در حالی‌که هر فرد می‌تواند به طور معمولی خوب باشد ولی هر فرد معمولی در برابر یک کیسه سکه طلا وسوسه می‌شود و احتمال دارد با وجود این‌که خوب است، پول را برای خودش بردارد. در این داستان، دو فرد بدون هیچ شاهد و اطلاعاتی، به جهانگیر اعتماد کردند. داستان این پیش‌فرض را داشت که جهانگیر آدم بسیار خوب و قابل اعتمادی است و بنابراین، ممکن است این آموزش پنهان را داشته باشد که می‌توان به هر فردی که ظاهراً خوب است اعتماد کرد. در ضمن، در داستان‌های این مجلد، شخصیت حکیم حضور ندارد و از این رو فاقد سوگیری نقطه کور است.

مجموعه «خودم داستان می‌خوانم» شامل پنج جلد کتاب داستان به نام‌های دعوت از خرگوش ناقتلا، سطل چسب خرگوش ناقتلا، خرگوش گنده، سوسیس‌های خرگوش ناقتلا و گنج خرگوش ناقتلا است که جذابیت زیادی از جهت محتوای داستان، دنبال کردن داستان و آموختن عبارات و جملات برای کودکان دارد. از این بین، دو داستان دیگر واجد سوگیری شناختی بود که به شرح آن‌ها می‌پردازیم. داستان «دعوت از خرگوش ناقتلا» مربوط به روباه و گرگ و خرسی است که تصمیم می‌گیرند با یک نیرنگ خرگوش ناقتلا را به خانه خرسی بکشند و او را بخورند و خرس، خرگوش را به خوردن سبزیجات و هویج دعوت می‌کند ولی خرگوش که بو برده است، از خرس درخواست می‌گو می‌کند و وقتی خرس برای تور کردن میگو سر چاه می‌رود، خرگوش او را به چاه هل می‌دهد. در این داستان، سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد دیده می‌شود؛ زیرا خرگوش بدون تمهید و در نظر

گرفتن سایر خطرات احتمالی، به خانه خرس می‌رود، در آن جا می‌نشیند و پیشنهاد میگو را مطرح می‌کند بدون این که سایر خطرات جانبی را در نظر بگیرد و مطمئن است که گیر نمی‌افتد و موفق می‌شود و ممکن است این سوگیری، آموزش ضمنی رفتار بی‌محابا را در خود داشته باشد. در داستان «خرگوش گنده»، گرگ به خاطر آزار و اذیت سه خرگوش می‌خواهد آن‌ها را بخورد، ولی خرگوش ناقلا با ترساندن گرگ توانست خود و پسرعموهایش را از دست گرگ نجات دهد. در این داستان سوگیری عدم وجود شواهد وجود دارد. در قسمتی از داستان خرگوش می‌گوید: «...گفتم که ... از موقعی که من را این جا انداخته‌ای، هی دارم گنده‌تر می‌شوم. می‌ترسم اگر همین جا بمانم، آن قدر بزرگ شوم که تو را توی دیگ آب جوش بیندازم! آماده شو جناب گرگ! جناب گرگ داد زد: «نه، نه. بدو برو این جا نمان!» گرگ بدون در نظر گرفتن همه اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم، به این تصمیم رسید که باید خرگوش ناقلا را رها کند تا بزرگ و خطرناک نشود. گرگ بدون این که به اطلاعات دیگر توجهی داشته باشد و به یاد بیاورد که چه اتفاقی برای دو پسرعموی خرگوش ناقلا افتاد، حرف‌های خرگوش ناقلا را باور کرد. این سوگیری شناختی، رقیب را کم‌هوش بازنمایی می‌کند و پنداره امکان تصمیم بدون شواهد کافی را تقویت می‌نماید. به علاوه، سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد نیز در داستان به چشم می‌خورد؛ زیرا زمانی که خرگوش ناقلا فکری به ذهنش می‌رسد و آن را به پسرعموهایش می‌گوید، مطمئن است که نقشه‌ای که کشیده باعث می‌شود تا از دست گرگ نجات پیدا کنند و این مورد نادیده گرفته می‌شود که ممکن بود گرگ حرف‌های خرگوش را باور نکند. نتیجه آموزش پنهان اعتماد به نفس بیش از حد، دست زدن افراد به تصمیماتی با ریسک بالاست که ممکن است عواقب بسیار نامطلوبی داشته باشد.

کتاب «عسل مثل یه قصه» شامل ۴۴ ضرب‌المثل فارسی است که برای هر یک از آن‌ها داستانی به قلم روان نوشته شده است. در این ۴۴ داستان، فقط داستان ششم واجد سوگیری شناختی بود. در این داستان که «صدهزار دانه برنج» نام دارد، سوگیری قالبی یا کلیشه‌ای مشاهده می‌شود. در جایی از این داستان آمده که «بستنی را که تمام کرد. خدیجه خانم گفت: حالا زنگ چیه؟ زنگ کمک! تا مهمان‌ها نیامنده‌اند باید بجنبیم. شما برو حیاط را جارو کن. محمد گفت: جارو؟ این که کار زنانه است! خدیجه خانم گفت: خب برو هندوانه بخر. محمد گفت: این که کار مردانه است. زمانی که مادر بزرگ از نوه‌اش می‌خواهد که در کارها به او کمک کند و حیاط را جارو کند، نوه‌اش به او می‌گوید که جارو کردن یک کار زنانه است یا هندوانه خریدن کاری مردانه است. با نهادینه شدن این سوگیری در ذهن کودک، یک سری دسته‌بندی‌ها در ذهن شکل می‌گیرد که وقتی اطلاعات جدیدی را دریافت می‌کند، آن اطلاعات را با دسته‌بندی موجود در ذهن خود می‌سنجد و بررسی می‌کند که متعلق به کدام دسته است. در حالی که این نوع سوگیری که به آن کلیشه‌ای می‌گویند باعث می‌شود

کودک برخی فعالیت‌های خانه را در دسته زنانه یا مردانه دسته‌بندی کند و برخی کارها را به طور سوگیرانه اساساً کار خود نداند.

کتاب آخر از مجموعه آثار پرفروش که در این پژوهش بررسی شده، «ماجراهای استعداد» اثر فاطمه محمدصالحی از انتشارات کتابک نام دارد. این کتاب شامل ۳۲ داستان جذاب برای کودکان است. داستان‌های این مجموعه، به جز یک مورد به نام داستان «حلزون و لاک‌پشت»، فاقد سوگیری شناختی هستند. در داستان «حلزون و لاک‌پشت»، در قسمتی از داستان آمده که «شب موقع خواب هم مامان گفت: «بیا بخواب» اما حلی حلزون لج کرد؛ سر خودش را کج کرد و گفت: «الان می‌خوام بازی کنم». در این داستان، حلی حلزون که حلزون لجبازی است، به حرف‌های مادرش توجه نمی‌کند و خلاف حرف‌های او را انجام می‌دهد تا نشان دهد که بزرگ شده است و خودش می‌تواند تصمیم بگیرد. حلی حلزون روی گفته‌ها و باورهایش اصرار و سعی دارد حرف‌هایش را به دیگران اثبات کند و در انتهای داستان نیز، عاقبت سوء متناسبی برای این لجبازی در نظر گرفته نشده است و بنابراین، می‌توان گفت این داستان واجد سوگیری تأییدی است. در این داستان، یکی از شخصیت‌ها از برخورد با ایده‌های دیگر اجتناب می‌کند و نسبت به دیدگاه‌های دیگران مقاوم است و عاقبت متناسبی هم برای این کارش در داستان در نظر گرفته نشده است. داستان‌های «خاطرات شیطان»، «داداش ابراهیم» (درباره شهید ابراهیم هادی)، «دکان عروسک‌فروشی» و «زینب خانم» نیز فاقد سوگیری شناختی بودند.

در نهایت باید گفت که طبق جدول ۲ و شرح آن، می‌توان چنین استنباط کرد که دو الگو در آثار پرفروش قابل استنباط است؛ یکی جهت‌گیری کتاب به سمت موفقیت‌گرایی و ترغیب آن‌ها در جهت رسیدن به موفقیت که با سوگیری‌های تأییدی، خواسته‌اندیشی و اعتمادبه‌نفس بیش از حد، بی‌توجهی به شواهد خود را نشان داده، و دیگری، الگوسازی ذهنی در کودکان که با سوگیری‌های خطای انتساب، نقطه کور و سوگیری تفکر قالبی یا کلیشه‌ای خود را نشان داده است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش یافته‌ها ملاحظه شد، «سوگیری تأییدی» پربسامدترین سوگیری شناختی در آثار کانون پرورش فکری و آثار پرفروش بود. سپس، سوگیری قالبی یا کلیشه‌ای و سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد هر یک با ۳ تکرار در رتبه بعدی قرار می‌گیرند. سپس، سوگیری عدم وجود شواهد، سوگیری پذیرش شواهد، سوگیری خواسته‌اندیشی و سوگیری تمرکز بر واضحات هر کدام با ۲ تکرار در رتبه بعدی قرار می‌گیرند. در آخر، سوگیری خطای انتساب، سوگیری اثر هاله‌ای، سوگیری اثر شترمرغ، و سوگیری نقطه کور هر یک با ۱ تکرار در

رتبه آخر قرار می‌گیرند. درباره سوگیری نقطه کور باید گفت که هرچند در سه کتاب از مجموعه آثار قصه‌های دلستان و گلستان دیده شد ولی چون این کتاب یک مجموعه ۵ جلدی است سوگیری نقطه کور برای کل این مجموعه با یک تکرار قابل اطلاق است. سوگیری پذیرش شواهد، سوگیری تأییدی، سوگیری خواسته‌اندیشی و سوگیری تمرکز بر واضحات، هر کدام با دو تکرار، از مهمترین سوگیری‌های شناختی آثار کانون پرورش فکری بودند؛ در حالی که سوگیری تأییدی، سوگیری عدم وجود شواهد، سوگیری تفکر قالبی یا کلیشه‌ای و سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد هر یک با دو تکرار، از مهمترین سوگیری‌های شناختی موجود در آثار پرورش به شمار می‌آیند.

بر اساس این پژوهش، «سوگیری تأییدی» پربسامدترین سوگیری شناختی در کتاب‌های داستانی کودکان بود. در آثار دارای سوگیری تأییدی شخصیت‌های داستان پیش‌فرض‌های نادرست خود را دنبال می‌کنند و به سرانجام نیکی می‌رسند و دردسری هم برایشان ایجاد نمی‌شود. گاهی اوقات نیز مفروضات اولیه‌ای در داستان مطرح می‌شود و داستان طوری پیش می‌رود که در آخر به مخاطب بفهماند «همان دیدگاه‌های اولیه شخصیت اول قطعاً درست بود» و جایگزین محتمل دیگری حتی قابل طرح نیست.

اگر کودکان به طور پنهان و ناملموس از طریق قصه از کودکی بیاموزند که پیش‌فرض‌های نادرست عاقبت بدی ندارد یا این که شخصیت‌های خوب همیشه هر طور شده درصدد قبولاندن باورهای خود به دیگرانند، ممکن است در آینده به سخت‌کوشی، جدال، پیگیری هر نوع شاهدهی تنها برای تأیید خویش و شکنندگی یکباره گرایش یابند (گیگه‌رنزر، فیدلر و اولسن ۲۰۱۲). شکنندگی یکباره یعنی فردی که سوگیری تأییدی از کودکی به طور پنهان به او آموزانده شده، پس از این که پیش‌فرض‌هایش دچار چالش جدی می‌شود، به شدت می‌شکند و کل آن باورها را رها می‌کند. در داستان گل حسرتی، همین شکنندگی رخ می‌دهد و گل که در داستان استعاره از کودک است، هیچگاه به شناخت کامل از خویش نمی‌رسد و پژمرده می‌گردد. آفت دیگر آن است که فرد دارای این سوگیری، سعی می‌کند همه شواهد اطراف را طوری گزینش کند که مفروضات او را تأیید نماید و البته در زندگی روزمره از این افراد زیاد دیده می‌شوند و باید دانست که بخشی از این نوع سوگیری‌ها، از طریق قصه‌ها و در کودکی در انسان نهادینه می‌شود. همان‌طور که در داستان «بوی گل‌های جمال کجاست» دیدیم، شخصیت نخست داستان گویی به هر طریقی درصدد به تأیید رساندن باورهای سنتی خویش است و از دلایل کمتر قانع‌کننده برای تأیید آن باور بهره می‌برد. سوگیری تأییدی مانع شکل‌گیری فضائل ذهن، از جمله انتقادپذیری می‌شود. در داستان «حلزون و لاک‌پشت» سوگیری تأییدی در قالب لجبازی برای اثبات استقلال و بزرگ‌شدن بازنمایی شده ولی چون عاقبت منفی مناسبی برای آن در نظر گرفته نشده، گویی به طور پنهان

به کودک یاد می‌دهد که لجبازی روش مناسبی برای اعلام استقلال است. در پژوهش‌ها نیز به این مورد پرداخته شده است؛ برای مثال کاپس و دیگران^۱ (۲۰۲۰) با آزمایشی دریافتند که این سوگیری باعث کاهش حساسیت عصبی به قوت‌های نظرات دیگران در قشر پیشانی میان‌خلفی می‌گردد. همچنین، سوگیری تأییدی ممکن است باعث گزینش عمدی اطلاعات برای پررنگ یا کم‌رنگ‌سازی و استاندارد دوگانه در رفتار و عمل شود. برای مثال، گالیمور^۳ (۱۹۹۶) در پژوهشی نشان داد که حرفه‌مندانی مانند: متخصصان مالی، پزشکان و حقوقدانان بدون این‌که تفاوت معنی‌داری بینشان باشد، دارای سوگیری تأییدی هستند ولی سوگیری تأییدی متخصصان از نوع وزنی است نه تفسیری، یعنی این‌طور نیست که تفسیری را نپذیرند بلکه به برخی تفاسیر به طور سوگیرانه وزن بیشتر یا وزن کمتری می‌دهند. گزینش‌گری رسانه‌ای، حمایت‌گری افراطی، افراط و تفریط در موضع‌گیری، عدم استقرار در وضع متعادل، بی‌توجهی به مواضع دیگران و امثال آن می‌تواند از نتایج یادگیری پنهان سوگیری تأییدی از دوران کودکی باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سوگیری تأییدی در جهان علم نیز موج پرنفوذی دارد. برای مثال، لنر و دیگران^۴ (۲۰۰۸) در یک محیط آزمایشی دریافتند که وقتی یک اصل یا یک قانون علمی مطرح می‌شود، عده اندکی هستند که می‌روند فرضیه‌های جایگزین را آزمایش کنند تا آن قانون یا اصل را ابطال نمایند و اکثراً بی‌توجه آن را تأیید می‌کنند به خصوص اگر ارائه‌دهنده آن اصل یا قانون دارای قدرت گفتمانی باشد.

یکی از مباحثی که در حوزه معرفت‌شناسی مطرح است آن است که چرا سوگیری تأییدی این‌قدر پرنفوذ است و با این‌که علم آن را به خوبی شناسایی کرده، ولی همچنان اکثر حرفه‌مندان، دانشمندان و مردم عادی درگیر آن هستند و این‌قدر پر قدرت بین مردمان حضور دارد. پترز^۵ (۲۰۲۲) تبیین جدیدی به نام «استدلال انطباق با واقعیت»^۶ را مطرح می‌کند. از نظر او، سوگیری تأییدی بدین دلیل تکامل پیدا کرده و رشد نموده است که به ما کمک می‌کند بر افراد و ساختارهای اجتماعی تأثیر بگذاریم تا آن‌ها با باورهای ما مطابقت داشته باشند. در واقع، سوگیری تأییدی یکی از ابزارهای معرفتی انسان جهت نیل به قدرت است. سوگیری تأییدی به افراد کمک می‌کند که بتوانند دیگران را به هر قیمتی شده با خود همسو کنند هر چند خودشان موضع صحیحی نداشته باشند. این سوگیری از نظر پترز (۲۰۲۲) به قدری قدرتمند است که به شعر، ادبیات، قصه، داستان و فرهنگ نفوذ می‌کند و به طور پنهان در آن جا می‌گیرد و همان‌طور که در این پژوهش ملاحظه شد، پرتکرارترین سوگیری در داستان‌های کودکان بود. البته افرادی که واجد سوگیری تأییدی هستند از این واقعیت روان‌شناختی

1. Kappes, Harvey, Lohrenz, Montague & Sharot

2. posterior medial prefrontal cortex (PMFC)

3. Paul Gallimore

4. Lehner, Adelman, Cheikes & Brown

5. Uwe Peters

6. Reality matching account

غافل هستند که اطرافیان، دوستان، دیگران و افراد در تعامل با انسان، سوگیری تأییدی را درک می‌کنند و در برابر تلاش‌های شناختی افراد برای تأیید یک ایده، نظر یا تصمیم، واکنش نشان می‌دهند (کانه‌مان، ۱۴۰۱) و هر تعینی را که درصدد اثباتش برآیند، با نفی مواجه می‌شوند.

در دنیای فناوریانه امروز که به خصوص نوجوانان از طریق تلفن‌های همراه وارد دنیای موتورهای جستجو، بازی‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی شده‌اند، سوگیری تأییدی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد و تقویت می‌گردد. یکی از نشانه‌های سوگیری تأییدی آن است که وقتی در شبکه‌های اجتماعی یک کامنت برجسته^۱ می‌شود یا در گام اول چند تأیید^۲ بیشتر دریافت می‌کند، احتمال دریافت لایک‌های بیشتر به طور تصاعدی افزایش می‌یابد (فرانک^۳، ۱۴۰۱). نوجوانان، در شبکه‌های اجتماعی، نظرات تأیید شده را بیشتر تأیید می‌کنند و در واقع سوگیری‌های اولیه خود را تثبیت می‌نمایند و به همین دلیل است که بسیاری از اندیشمندان حوزه فناوری معتقدند که شبکه‌های اجتماعی گرایش‌های سوگیرانه را در انسان تقویت می‌کند.

جالب است که سوگیری عدم وجود شواهد، سوگیری پذیرش شواهد، سوگیری خواسته‌اندیشی و سوگیری تمرکز بر واضحات از سوگیری‌هایی هستند که به طور تنگاتنگ در ارتباط با سوگیری تأییدی‌اند. سوگیری عدم وجود شواهد یعنی بدون شواهد چیزی را پذیرفتن یا تأیید کردن، سوگیری پذیرش شواهد یعنی شواهد موجود را بدون تحقیق پذیرفتن، سوگیری خواسته‌اندیشی یعنی تخمین بیش از حد احتمال اتفاقات خوبی که حدس می‌زنیم موضع ما را تأیید کند و سوگیری تمرکز بر واضحات یعنی بر اساس بدیهیات دم دستی و اولیه دست به تصمیم‌گیری زدن. در همه این سوگیری‌ها، فرد بر شواهدی تکیه می‌کند یا شواهدی را رد می‌کند تا تصمیمی متناسب با وضع موجود خود بگیرد که اگر آگاهانه شواهدی را بپذیرد یا کنار بگذارد یا بر بدیهیات تکیه کند تا موضع خویش را اثبات نماید؛ آنگاه کاری شبیه به سوگیری تأییدی انجام داده است. سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد، مقوم رذیلتی به نام بی‌باکی است که به معنای عمل کردن بدون تفکر در اطراف و جوانب و عواقب و آینده عمل است. سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد نیز در پاره‌ای از مواقع می‌تواند به عنوان موتور محرک و تقویت‌کننده سوگیری تأییدی عمل کند. اعتماد به نفس بیش از حد، قدرت و جسارت افراد برای حمایت‌گری افراطی، جهت‌دهی به افکار، پررنگ‌سازی برخی مواضع و کم‌رنگ‌سازی برخی دیگر، به حاشیه‌رانی و بر صدر نشانی و امثال آن را بیشتر می‌کند و عواقب سوء این رفتارها را از نظر دور می‌دارد یا بی‌اهمیت می‌کند. سوگیری اثر شترمرغ که در داستان آخرین زاغ‌بور دشت بزرگ دیده شد نیز می‌تواند مقوم سوگیری تأییدی باشد؛ زیرا در این نوع سوگیری، فرد متمایل به ندیدن امور منفی است و سوگیری اثر هاله‌ای که در داستان «پناه‌گاه آهو»

1. pin

2. like

3. Robert Frank

به چشم خورد نیز تقویت‌کننده پذیرش سخن افراد مورد علاقه و نپذیرفتن افراد دیگر است که باز می‌تواند مقوم سوگیری تأییدی باشد. با این حال، جنس سوگیری نقطه کور که در مجموعه آثار قصه‌های دلستان و گلستان به چشم خورد کاملاً متفاوت است؛ این نوع سوگیری، چارچوب ذهن را به بت‌واره‌سازی سوق می‌دهد. آدم همه‌چیزدان در دنیای مدرن امروزی بی‌معناست و عصر حاضر پر از افرادی با توانمندی‌های مختلف است که در شبکه‌های اجتماعی به صورت سلبریتی فعالیت می‌کنند، ولی افراد زیادی نیز چشم و گوش بسته به دنبال آن‌ها هستند و تبلیغ‌شان می‌کنند و با این کار شکاف قدرت و ثروت بین آن‌ها و دیگران را عمق می‌بخشند (فرانک، ۱۴۰۱) بدون این‌که توجه کنند که گرایش ذهن به بت‌سازی دارای چه عواقب مهلکی است.

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد سوگیری‌های شناختی پیدا شده در آثار کانون پرورش فکری، کمتر از سوگیری‌های شناختی پیدا شده در آثار پرفروش است؛ هر چند که تعداد کتاب‌های مورد بررسی کانون (۲۰ کتاب) نسبت به آثار پرفروش (۱۷ کتاب) بیشتر بود. همچنین، در بین آثار پرفروش، آثار انتشارات هزاربرگ بیش از آثار سایر ناشران واجد سوگیری شناختی بود که البته باید ذکر کرد که آثار پرفروش انتشارات هزاربرگ از بقیه بیشتر بود و نباید این امر را نادیده گرفت. در عوض در آثار پرفروش، هیچ یک از دو اثر پرفروش انتشارات کتابک دارای سوگیری شناختی نبود که جالب توجه است. به علاوه، هیچ الگویی بر اساس سال نشر قابل استنتاج نیست؛ یعنی نمی‌توان گفت که کتاب‌های جدیدتر سوگیری کمتر یا بیشتری دارند و بالعکس. بنابراین، ظاهراً گذر زمان تأثیری در کاهش یا افزایش سوگیری‌های شناختی در کتب کودک نداشته است. همچنین، طبق یافته‌ها، تنوع سوگیری‌های شناختی در آثار پرفروش بیش از آثار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است هر چند که از نظر تعداد سوگیری‌ها (۱۱ سوگیری آثار کانون در برابر ۱۳ سوگیری آثار پرفروش) نمی‌توان تفاوت را واجد معنای خاصی تلقی کرد، ولی لازم است در بررسی آثار داستانی کودکان، به مسئله سوگیری‌های شناختی نیز توجه شود و داوران و بررسی‌کنندگان آثار، روایت‌ها را از منظر سوگیری‌های شناختی نیز بررسی کنند و اشکالات آن‌ها را تصحیح نمایند. همچنین، می‌توان استنباط کرد که هم کتاب‌های کانون پرورش فکری و هم کتاب‌های پرفروش، یک جهت‌گیری موفقیت‌گرایانه دارند و بدین سبب ناخواسته سوگیری‌هایی چون سوگیری تأییدی، اعتماد به نفس بیش از حد، پذیرش شواهد، بی‌توجهی به شواهد، خواسته‌اندیشی و امثال آن را در آثار مشاهده می‌کنیم. آثار پرفروش، علاوه بر جهت‌گیری موفقیت‌گرایی، یک جهت‌گیری دیگر نیز دارند و آن الگوسازی است و منظور، ساخت قالب‌های ذهنی و پیش‌فرض‌هایی است درباره برخی افراد، ویژگی‌ها یا موقعیت‌ها و به نظر می‌رسد به دلیل همین جهت‌گیری، سوگیری‌هایی نظیر سوگیری تفکر قالبی یا کلیشه‌ای، سوگیری خطای انتساب و سوگیری نقطه کور در آن‌ها مشاهده می‌شود. معرفی آثار خوب و برجسته از منظر انواع سوگیری‌ها از جمله: سوگیری‌های شناختی، برگزاری نشست‌های علمی در مورد این آثار برجسته و برجسته‌سازی محتوای آن‌ها، تبلیغ آثار خوب از این منظر، معرفی نویسندگان متوجه به این مباحث و معرفی

آثار آن‌ها، تهیه گزارش‌های رسانه‌ای از آثار برجسته که به جنبه‌های عمیق شناختی توجه دارد و الگوسازی به روش‌های دیگر، شاید بتواند به بهبود سطح محتوایی آثار کمک کند.

سپاسگزاری

از تمامی استادان ارجمند و خبرگان گرامی که با پیشنهادهای ذی‌قیمت‌شان به بهبود کیفیت سیاهه ارزیابی سوگیری‌های شناختی در آثار داستانی کودکان کمک کردند کمال تشکر و امتنان را داریم. همچنین، از داوران گرامی این مقاله که با نظرات ارزشمندشان باعث ارتقاء کیفیت مقاله شدند بسیار سپاسگزاریم.

منابع

- اسلام، علی‌رضا؛ نوروزی، زینب؛ نظری، فاطمه (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی جنسیت در داستان نامه‌هایی به آقاغوله. *مطالعات ادبیات کودک*، ۷(۴)، ۲۰-۱.
- اینا خبرگزاری کتاب ایران (۱۴۰۲). *پرفروش‌ترین‌های کودک و نوجوان در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۲*. بازیابی در ۱۱ تیر ۱۴۰۲ از: ibna.ir/x4Syb
- باختین، میخائیل (۱۴۰۰). *هنر و پاسخگویی؛ نخستین جستارهای فلسفی*. ترجمه سعید صلح‌جو. تهران: انتشارات نیلوفر.
- بهزادپور، سمانه؛ پوراعتقاد، حمیدرضا؛ اکبری زردخانه، سعید (۱۳۹۹). انواع سوگیری‌های شناختی دخیل در ایجاد و حفظ اضطراب کودکی: یک مرور روایتی. *تعالی بالینی*، ۱۰(۱)، ۷۰-۵۲.
- تمیم‌داری، احمد؛ مستعلی پارسا، غلامرضا؛ عبادتی، شهناز (۱۳۹۹). مطالعه شیوه‌های بازنمایی زنان در ده داستان کودک از محمدرضا یوسفی «بر مبنای فرانش اندیشگانی». *مطالعات ادبیات کودک*، ۱۱(۲)، ۲۶-۱.
- جالنگو، مری رنک (۱۳۹۲). اهمیت کتاب‌های تصویری. ترجمه: فریبا گرانمایه. *پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان*، ۵۷(۶)، ۵۰-۵۲.
- حاجی‌زاده، ابراهیم؛ اصغری، محمد (۱۳۹۰). *روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- خلیلی جهانتیغ، مریم؛ رحیمی، صغری (۱۳۹۰). *مشابهت‌ها و تفاوت‌های داستان‌های کودک و بزرگسال*. *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، ۳(۹)، ۱۳۸-۱۰۹.
- زوارقی، رسول؛ وثوق‌زاده، فرشته؛ عطاپور، هاشم (۱۳۹۸). بررسی و ارزیابی کتاب‌های مصور کودک مرتبط با ائمه معصومین و شخصیت‌های مذهبی بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۳۴(۳)، ۱۱۱-۱۳۷.
- شاه‌سنی، شهرزاد (۱۳۹۶). *تصویرسازی زنان در قصه‌های عامیانه مردم فارس*. *مطالعات ادبیات کودک*، ۸(۲)، ۱۰۳-۱۲۰.
- ظاهری عبدهوند، ابراهیم (۱۴۰۰). انسان‌نگاری (تشخیص) طبیعت در شعر کودک بر اساس دیدگاه لیکاف و جانسون. *مطالعات ادبیات کودک*، ۱۲(۲)، ۲۰۷-۲۳۳.
- فرانک، رابرت (۱۴۰۱). *موفقیت و شانس: خوش‌شانسی و اسطوره شایسته‌سالاری*. ترجمه لیلا حائری و رضا شیخی. تهران: تألیف.
- فرشچی، فاطمه؛ طاهری، قدرت‌الله (۱۴۰۱). بازتولید انگاره‌های گفتمان سنتی جنسیت در نوشته‌های کودکان و نوجوانان. *مطالعات ادبیات کودک*، ۱۳(۱)، ۱۳۵-۱۶۰.
- کانه‌مان، دانیل (۱۴۰۱). *تفکر سریع و کند*. ترجمه فاطمه امیدی. چاپ اول. تهران: انتشارات نوین توسعه.

کریاسی، آرزو؛ پریرخ، مهری؛ صنعت جو، اعظم (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی کتاب‌های داستانی تصویری بازاری برای کودکان گروه سنی «الف» و «ب». پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۶(۲)، ۳۰۱-۳۲۰.

کریمی‌زاده زواره، مرضیه؛ پشتوتی‌زاده، میترا؛ عابدی، احمد (۱۳۹۸). ارزیابی ظاهری و محتوایی کتاب‌های داستانی فارسی رده سنی الف و ب با تأکید بر مؤلفه‌های خلاقیت گیلفورد. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۲(۳)، ۶۲-۹۰.

محمدی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی داستان‌های دینی کودکان و نوجوانان منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۵ از نظر کیفیت محتوا، ساخت و پرداخت و کیفیت زبان و بیان. مطالعات ادبیات کودک، ۳(۱)، ۱۰۹-۱۳۵.

References

- ACAPS (2016). *Cognitive biases*. Retrieved April 10, 2024, from: <https://www.acaps.org/en/methodology/our-methodologies>
- Adukia, A., Eble, A., Harrison, E., Runesha, H. B., & Szasz T. (2021). *What we teach about race and gender: Representation in images and text of children's books* (No. w29123). Cambridge: National Bureau of Economic Research.
- Axell, C., & Boström, J. (2021). Technology in children's picture books as an agent for reinforcing or challenging traditional gender stereotypes. *International Journal of Technology and Design Education*, 31(1), 27-39.
- Barnett, M. A. (1986). Sex bias in the helping behavior presented in children's picture books. *The Journal of Genetic Psychology*, 147(3), 343-351.
- Baronberg, J. (1971). *Black Representation in Children's Books*. ERIC-IRCD Urban Disadvantaged Series, Number 21. Washington, D.C: Institute of Education Sciences (IES) of the U.S. Department of Education, ERIC.
- Bakhtin, M. M. (1990). *Art and answerability: early philosophical essays*. Translated by Saeed Solhjo. First Edition. Tehran. Niloofar publication. (in Persian)
- Behzadpoor, S., Pouretamad, H., & Akbari zardkhaneh, S. (2020). Cognitive Biases in the Development and Maintenance of Childhood Anxiety: A Narrative Review. *Clinical Excellence*, 10(1), 52-70. (in Persian)
- Bow, L. (2019). Racial abstraction and species difference: Anthropomorphic animals in "multicultural" children's literature. *American Literature*, 91(2), 323-356.
- Brownstein, M. (2019). Implicit Bias. In: *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2019 Edition), Edward N. Zalta (ed.), Retrieved June 23, 2024, from: <https://plato.stanford.edu/archives/fall2019/entries/implicit-bias>.
- Burke, C. L., & Copenhaver, J. G. (2004). Animals as people in children's literature. *Language Arts*, 81(3), 205-213.
- Casey, K., Novick, K., & Lourenco S. F. (2021). Sixty years of gender representation in children's books: Conditions associated with overrepresentation of male versus female protagonists. *PLoS ONE*, 16(12), e0260566.
- Čermáková, A., & Mahlberg, M. (2021). The representation of mothers and the gendered social structure of nineteenth-century children's literature. *English Text Construction*, 14(2), 119-149.
- De Bruijn, Y., Emmen, R. A. G., & Mesman, J. (2021). Ethnic Diversity in Children's Books in the Netherlands. *Early Childhood Education Journal*, 49(3), 413-423.
- Eslam, A., Norouzi, Z., & Nazari, F. (2013). A Sociological Analysis of Gender in Name-hayee be Aqa-Ghooleh (Letters to Mister Giant). *Iranian Children's Literature Studies*, 4(1), 1-20. (in Persian)
- Farshchi, F., & Taheri, G. (2022). Reproduction of Traditional Ideas of Gender Discourse in Children and Adolescents' Writings. *Iranian Children's Literature Studies*, 13(1), 135-160. (in Persian)

- Feldman, D. (2022). Reading Poison: Science and Story in Nazi Children's Propaganda. *Children's Literature in Education*, 53(2), 199-220.
- Frank, R. H. (2016). *Success and luck: good fortune and the myth of meritocracy*. Translated by Leila Taheri and Reza Sheykhi. First edition. Tehran. Taalif publication. (in Persian)
- Gallimore P. (1996). Confirmation bias in the valuation process: a test for corroborating evidence. *Journal of Property Research*, 13(4), 261-273
- Ganea, P. A., Canfield, C. F., Simons-Ghafari, K., & Chou, T. (2014). Do cavies talk? The effect of anthropomorphic picture books on children's knowledge about animals. *Front. Psychol*, 5, Article 283.
- Gigerenzer, G., Fiedler, K., & Olsson, H. (2012). Rethinking cognitive biases as environmental consequences. In P. M. Todd, G. Gigerenzer (Eds.) & ABC Research Group, *Ecological rationality: Intelligence in the world* (pp. 80–110). Oxford University Press.
- Hajizadeh, E., & Asghari, M. (2011). *Statistical methods and analyzes with a view to research methods in biological and health sciences*. First edition. Tehran: Jahad Daneshgahi Press. (in Persian)
- Jalongo, M. R. (2013). The importance of picture books. Translated by Fariba Geranmayeh. *Research on Children and Adolescent Literature*, 57(6), 50-52. (in Persian)
- IBNA, Iran Book News Agency (2023). *The best-selling books for children and teenagers in 2023*. Retrieved July 2, 2023, from: ibna.ir/x4Syb. (in Persian)
- Kahneman, D. (2013). *Thinking, fast and slow*. Translated by Fatemeh Omid. First edition. Tehran: Nashre Novin. (in Persian)
- Kappes A., Harvey A. H., Lohrenz T., Montague P. R., & Sharot T. (2020). Confirmation bias in the utilization of others' opinion strength. *Nature Neuroscience*, 23(1), 130-137.
- Karamizadeh Zavareh, M., Pashootanzadeh, M., & Abedi, A. (2019). Appearance and Content Assessment of Printed Books for the Age Groups A and B with Emphasis on Guilford's Creativity Components. *Library and Information Sciences*, 22(3), 62-90. (in Persian)
- Karbasi, A., Parirokh, M., & Sanatjoo, A. (2016). Investigation of the Commercial Children's Picture Storybooks for the Age Grades "A" and "B". *Library and Information Science Research*, 6(2), 301-320. (in Persian)
- Kelly, K., Laminack, L., & Gould, E. (2020). Confronting bias with children's literature: A preservice teacher's journey to developing a critical lens for reading the word and the world. *The Reading Teacher*, 74(3), 297-304.
- Khalili-Jahantigh, M., & Rahimi, S. (2011). Similarities and differences between child and adult stories. *Didactic Literature Review*, 3(9), 109-138. (in Persian)
- Larsen N. E., Lee, K., & Ganea P. A. (2018). Do storybooks with anthropomorphized animal characters promote prosocial behaviors in young children? *Developmental Science*, 21(3), e12590.
- Lehner P. E., Adelman, L., Cheikes, B. A., & Brown, M. J. (2008). Confirmation Bias in Complex Analyses. In: *IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics - Part A: Systems and Humans*, 38(3), 584-592.
- Markowsky, J. K. (1975). Why anthropomorphism in children's literature? *Elementary English*, 52(4), 460-466.
- Meyer, J. M. (2002). Accuracy and bias in children's environmental literature: A look at Lynne Cherry's books. *The Social Studies*, 93(6), 277-281.
- Mohammadi, M. (2012). Analysis of Children's and Young Adults' Religious Stories Published during 2001-2006 with regard to Their Content, Construction, Language, Illustration and Physical Shape. *Iranian Children's Literature Studies*, 3(1), 109-135. (in Persian)
- Muthukrishnan R., & Kelley J. E. (2017). Depictions of sustainability in children's books. *Environment, Development and Sustainability*, 19(3), 955–970.

- Nguyen A. (2022). Children Have the Fairest Things to Say: Young Children's Engagement with Anti-Bias Picture Books. *Early Childhood Education Journal*, 50(3), 743–759.
- O'Sullivan, E. D., & Schofield, S. J. (2018). Cognitive bias in clinical medicine. *Journal of the Royal College of Physicians of Edinburgh*, 48(3), 225–232.
- Paulus, D. (2023). *Bias and debiasing in data-driven crisis decision-making*. Ph.D Thesis, Delft University of Technology, Netherlands, Delft. Retrieved June 12, 2024, from: <https://pure.tudelft.nl/ws/portalfiles/portal/151823267/DavidPaulusDissertation.pdf>
- Paulus D., Vries G., Janssen M., & Van de Walle, B. (2023). Reinforcing data bias in crisis information management: The case of the Yemen humanitarian response. *International Journal of Information Management*, 72, Article 102663.
- Peters U. (2022). What Is the Function of Confirmation Bias? *Erkenntnis*, 87(3), 1351–1376.
- Rivadeneira R. (2011). Gender and Race Portrayals on Spanish-Language Television. *Sex Roles*, 65(3), 208–222.
- Roberts L. C., & Hill H. T. (2003). Come and Listen to a Story about a Girl Named Rex: Using Children's Literature to Debunk Gender Stereotypes. *Young Children*, 58(2), 39-42.
- Rubin E. & Watson E. S. (1987). Disability bias in children's literature. *The Lion and the Unicorn*, 11(1), 60-67.
- Ryman, C. K. (2022). A picturebook reveals the nature of bias. *Waikato Journal of Education*, 27(1), 67–78.
- Shahnaz A., Fatima S. T., & Qadir S. A. (2020). 'The myth that children can be anything they want': gender construction in Pakistani children literature. *Journal of Gender Studies*, 29(4), 470-482.
- Shahsani, S. (2018). Representation of Women in Folk Tales of Fars. *Iranian Children's Literature Studies*, 8(2), 103-120. (in Persian)
- Sharra, S. (2001). The Baboon King: Institutionalizing Anti-African Bias in Children's Literature. *Children's Literature Association Quarterly*, 26(2), 96-99.
- Sotirovska, V., & Kelley J. (2020). Anthropomorphic characters in children's literature: Windows, mirrors, or sliding glass doors to embodied immigrant experiences. *The Elementary School Journal*, 121(2), 337–355.
- Tamimdari, A., Mastali, G., & Ebadati, S. (2021). A Study of Representations of Women in Ten Children's Stories by Mohammad Reza Yousefi Based on Ideational Metafunction. *Iranian Children's Literature Studies*, 11(2), 1-26. (in Persian)
- Yu, C. W. (2021). Bias and Values in Translation: The Unspoken in Roald Dahl's Children's Novel Matilda and Its Translations in Taiwan. *The Wenshan Review of Literature and Culture*, 15(1), 15-45.
- Zaheri Abdevand, E. (2022). Studying the Personification of Nature in Children's Poetry Based on Lakoff and Johnson's Viewpoints. *Iranian Children's Literature Studies*, 12(2), 207-232. (in Persian)
- Zavaraqi, R., Vosoughzadeh, F., & Atapour, H. (2021). Investigating and evaluating children's illustrated books about Infallible Imams and religious characters based on social semiotics approach. *Library and Information Sciences*, 24(3), 111-137. (in Persian)